

شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های مؤثر بر کیفیت آموزش در نظام آموزشی ایران

سوسن لائی

استادیار گروه مدیریت آموزشی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

مریم کاظمی^۱

دانشجوی دکترا مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

حدیث امانی

دانشجوی دکترا مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

فرامرز دهنوی

دانشجوی دکترا مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

فرحناز حسینی سامره

دانشجوی دکترا مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی چالش‌ها و فرصت‌های مؤثر بر کیفیت آموزش در نظام آموزشی ایران انجام شده است. با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای گسترده، این پژوهش به شناسایی مسائل کلیدی و بهبودهای بالقوه در این نظام می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده چالش‌های مهمی نظیر ناکافی بودن زیرساخت‌ها، آموزش ناکافی معلمان، نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی و محدودیت‌های سیاسی است. همه‌گیری کووید-۱۹ این چالش‌ها را تشدید کرده و محدودیت‌های منابع و زیرساخت‌های آموزشی موجود را آشکار نموده است. با وجود این موانع، این پژوهش فرصت‌های امیدوارکننده‌ای را برای بهبود کیفیت آموزشی شناسایی می‌کند که شامل ادغام فناوری‌های دیجیتال، اصلاحات درسی و همکاری‌های بین‌المللی است. آموزش مجازی، به‌ویژه، فرصت‌های یادگیری انعطاف‌پذیر و قابل دسترسی را فراهم می‌کند، به‌ویژه برای دانش‌آموزان مناطق دورافتاده یا محروم. اصلاحات درسی با هدف ادغام تفکر انتقادی و مهارت‌های عملی می‌تواند دانش‌آموزان را برای نیروی کار مدرن بهتر آماده کند. علاوه بر این، همکاری‌های بین‌المللی می‌تواند بینش‌ها و منابع ارزشمندی را برای بهبود استانداردهای آموزشی ارائه دهد. نتیجه‌گیری پژوهش این است که رفع این چالش‌ها نیازمند یک رویکرد هماهنگ شامل سرمایه‌گذاری قابل توجه در زیرساخت‌ها، برنامه‌های آموزش معلمان پیشرفته، سیاست‌های هدفمند برای کاهش نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی و تقویت مشارکت‌های بین‌المللی است. این استراتژی‌ها می‌توانند به ایجاد یک نظام آموزشی پویاتر و باکیفیت‌تر در ایران کمک کنند که به نفع همه دانش‌آموزان باشد و به توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور کمک کند.

واژگان کلیدی: کیفیت آموزش، ایران، نظام آموزشی، چالش‌ها، فرصت‌ها

^۱ نویسنده مسئول: marykazemi90@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۱۹

مقدمه

آموزش، به عنوان يکى از مؤلفه‌هاى حياتى توسعه ملي، نقش مهمى در شکل‌دهى به چشم‌انداز اجتماعى-اقتصادى و فرهنگى يک کشور ایفا می‌کند. در ایران، نظام آموزشی دستخوش اصلاحات متعددى با هدف بهبود کیفیت و دسترسی شده است. با این حال، این نظام همچنان با چالش‌هاى قابل توجهى از جمله زیرساخت‌هاى ناکافى، آموزش ناکافى معلمان و نابرابرى‌هاى اجتماعى-اقتصادى روبرو است که همگى مانع توانايى آن در ارائه آموزش با کیفیت بالا به همه دانش‌آموزان می‌شود. این چالش‌ها با همه‌گیرى کووید-۱۹ تشدید شده‌اند که شکاف‌ها و ناکارآمدی‌هاى موجود در این سیستم را بیش از پیش برجسته کرده است. در سال‌هاى اخير، نیاز به اصلاحات جامع آموزشی در ایران به طور فزاینده‌اى مورد توجه قرار گرفته است. مطالعات، عوامل مختلفی را که بر کیفیت آموزشی تأثیر می‌گذارند، از وضعیت فیزیکی مدارس گرفته تا در دسترس بودن منابع آموزشی و اثربخشی روش‌هاى تدریس، برجسته کرده‌اند. به عنوان مثال، کیفیت تجربیات یادگیری در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تحت تأثیر منابع موجود، محتوا، انعطاف‌پذیری یادگیری و کیفیت روابط معلم و دانش‌آموز قرار گرفته است (اکبری فارماد و همکاران، ۲۰۲۲). علاوه بر این، کیفیت برنامه‌هاى آموزشی، به ویژه در زمینه‌هاى تخصصی مانند ارزیابى فناوری سلامت، موضوع نگرانی بوده است. ارزیابى این برنامه‌ها، مشکلاتی را هم در طراحی و هم در اجرا آشکار کرده است که مستلزم اصلاحاتی برای افزایش اثربخشی آنهاست (قرابى و همکاران، ۲۰۲۳). به همین ترتیب، موفقیت تحصیلی و شکست دانشجویان پزشکی در ایران با عوامل متعددى از جمله وضعیت اجتماعى-اقتصادى، امکانات آموزشی و ویژگی‌هاى فردی مرتبط بوده است (نیرومند و همکاران، ۲۰۲۰).

بیان مسئله

نظام آموزشی ایران در حال حاضر با چالش‌هاى متعددى دست و پنجه نرم می‌کند که به طور قابل توجهی بر کیفیت آموزش تأثیر می‌گذارد. کمبودهاى زیرساختی، مانند کلاس‌هاى درس با تجهیزات نامناسب و ابزارهاى فناوری ناکافى، مانع آموزش و یادگیری مؤثر می‌شود. علاوه بر این، کمبود شدید معلمان آموزش‌دیده وجود دارد که مشکلات کیفی را در نظام آموزشی تشدید می‌کند. نابرابرى‌هاى اجتماعى-اقتصادى، نابرابرى آموزشی را بیشتر می‌کند و دانش‌آموزان مناطق محروم دسترسی محدودى به آموزش با کیفیت دارند. علاوه بر این، محدودیت‌هاى سیاسى و اداری اجرای اصلاحات لازم را پیچیده می‌کند و مقابله مؤثر با این مسائل فراگیر را دشوار می‌سازد. یکی از مسائل کلیدی، عدم تطابق بین برنامه‌هاى آموزشی و نیازهاى واقعی بازار کار است. برنامه درسى در بسیاری از دانشگاه‌هاى ایران قدیمی باقی مانده است و دانشجویان را به مهارت‌هاى عملی مورد نیاز در محیط‌هاى کارى مدرن مجهز نمی‌کند. این شکاف بین آموزش آکادمیک و الزامات حرفه‌اى به نرخ بالای بیکارى در بین فارغ التحصیلان و نیروی کارى منجر می‌شود که به طور کامل برای برآورده کردن تقاضای اقتصاد آماده نیست (قرابى و همکاران، ۲۰۲۳). علاوه بر این، تأکید فرهنگى بر یادگیری طوطى‌وار و آموزش مبتنى بر امتحان، خلاقیت و تفکر انتقادى را در بین دانش‌آموزان خفه می‌کند. این رویکرد سنتى به آموزش، توسعه مهارت‌هاى ضرورى زندگى، مانند حل مسئله، کار گروهی و ارتباطات را که برای موفقیت شخصی و حرفه‌اى حياتى هستند، تقویت نمی‌کند. در نتیجه، نیاز مبرمى به اصلاح برنامه درسى آموزشی برای ترویج یک رویکرد جامع‌تر و دانش‌آموزمحور برای یادگیری وجود دارد.

اهداف پژوهش

این پژوهش در پی دستیابى به اهداف زیر است:

شناسایی چالش‌هاى اصلی مؤثر بر کیفیت آموزش در ایران

بررسى فرصت‌هاىی که می‌توانند کیفیت آموزش در ایران را افزایش دهند

ارائه توصیه‌های عملی برای سیاست‌گذاران و مربیان برای مقابله با این چالش‌ها و بهره‌برداری مؤثر از فرصت‌های شناسایی شده

با تمرکز بر این اهداف، این پژوهش در پی مشارکت در گفتمان جاری در مورد اصلاحات آموزشی در ایران و ارائه بینش‌هایی است که می‌تواند به بهبود کیفیت آموزش کمک کند. یافته‌های این پژوهش برای سیاست‌گذاران، مدیران آموزشی، معلمان و سایر ذی‌نفعانی که متعهد به بهبود نتایج آموزشی در ایران هستند، ارزشمند خواهد بود.

سوالات پژوهش

برای هدایت این پژوهش، سوالات زیر تدوین شده است:

چالش‌های اصلی مؤثر بر کیفیت آموزش در ایران کدامند؟

چه فرصت‌هایی برای بهبود کیفیت آموزش در ایران وجود دارد؟

چگونه می‌توان به طور مؤثر با این چالش‌ها مقابله کرد و از فرصت‌ها برای بهبود نتایج آموزشی استفاده نمود؟

این سوالات به منظور استخراج اطلاعات دقیق در مورد وضعیت کنونی نظام آموزشی در ایران، عوامل مؤثر بر کیفیت آموزشی و استراتژی‌های بالقوه برای بهبود طراحی شده‌اند. با پرداختن به این سوالات، این مطالعه در پی ارائه درک جامعی از چشم‌انداز آموزشی در ایران و شناسایی راه‌حل‌های عملی برای ارتقای کیفیت آموزشی است.

اهمیت پژوهش

اهمیت این پژوهش در پتانسیل آن برای آگاهی‌بخشی و تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و رویه‌های آموزشی در ایران نهفته است. با شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های کلیدی در نظام آموزشی ایران، این پژوهش مبنایی برای توسعه مداخلات هدفمند فراهم می‌کند که می‌تواند نیازها و مسائل خاص درون سیستم را برطرف کند. یافته‌ها و توصیه‌های این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران در طراحی استراتژی‌های مؤثر برای بهبود زیرساخت‌های آموزشی، تقویت برنامه‌های آموزش معلمان، کاهش نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی و اصلاح برنامه درسی برای همسو شدن با استانداردهای آموزشی مدرن کمک کند. علاوه بر این، این پژوهش با ارائه شواهد تجربی و بینش‌هایی از تحقیقات اخیر به دانش موجود در مورد کیفیت آموزشی در ایران می‌افزاید. این پژوهش بر تعامل پیچیده عوامل مختلف مؤثر بر نتایج آموزشی تأکید می‌کند و بر نیاز به یک رویکرد جامع و یکپارچه برای اصلاحات آموزشی تأکید دارد. این مطالعه همچنین بر اهمیت همکاری و مشارکت ذی‌نفعان در فرآیند اصلاحات تأکید می‌کند و تضمین می‌کند که دیدگاه‌ها و نیازهای همه طرف‌های ذی‌ربط در نظر گرفته شده است. در نهایت، این پژوهش با هدف حمایت از هدف ارائه آموزش با کیفیت بالا برای همه دانش‌آموزان در ایران، صرف نظر از پیشینه اجتماعی-اقتصادی آنها انجام می‌شود. این پژوهش با پرداختن به چالش‌های شناسایی شده و بهره‌گیری از فرصت‌های موجود، در پی کمک به ایجاد یک نظام آموزشی عادلانه و مؤثر است که بتواند توسعه فکری، اجتماعی و اقتصادی کشور را تقویت کند.

ادبیات تحقیق

تحقیقات موجود در مورد کیفیت آموزش در ایران ابعاد مختلفی را شامل می‌شود، از جمله چالش‌های زیرساختی، روش‌های آموزشی، پیامدهای سیاستی و ادغام فناوری. ارزیابی برنامه‌های آموزشی مانند برنامه‌های درسی ارزیابی فناوری سلامت (HTA) طیف وسیعی از مسائل مربوط به طراحی و اجرا را نشان می‌دهد که بر نتایج آموزشی تأثیر می‌گذارند. مطالعات نشان داده‌اند که کیفیت این برنامه‌ها به طور قابل توجهی متفاوت است و بسیاری از عناصر برای دستیابی به اهداف آموزشی

نياز به بهبود قابل توجهى دارند (قرايى و همكاران، ۲۰۲۳). در زمينه آموزشعالى، تحقيقات بر پيچيدگى و چندبعدى بودن كيفيت آموزشى تأكيد دارد. تلاشها براى طراحي و اعتبارسنجى مدلهاى كيفيت آموزشى براى دانشگاههاى ايران بر نياز به يك رويکرد جامع تأكيد دارد كه عوامل مختلفى مانند ارتباط برنامه درسى، روشهاى تدريس و در دسترس بودن منابع را در بر مى گيرد. اين رويکرد با هدف رسيدگى به فشارهاى حاميان مالى و مصرف كنندگان آموزشعالى براى افزايش پاسخگويى و اثربخشى آموزشى انجام مى شود (لارگانى و همكاران، ۲۰۲۱). تحقيقات همچنين به بررسى توليد علمى در مديريت آموزشى مى پردازد و مجلات اصلى و مشاركت كنندگان پركار در اين زمينه را شناسايى مى كند. اين تحليل بر رشد نامتوازن و چالشهاى سازمانى در توليدات علمى تأكيد مى كند و به نياز به تلاشهاى هماهنگتر براى ارتقاى تحقيقات آموزشى و کاربردهاى عملى آن اشاره دارد (لشگرى و همكاران، ۲۰۲۲).

چارچوب نظرى براى تحليل كيفيت آموزش در ايران، نظريههاى مختلف كيفيت آموزشى را كه بر تعامل بين زيرساخت، شايستگى معلم، محتواى برنامه درسى و عوامل اجتماعى-اقتصادى تمرکز دارند، ادغام مى كند. اين مطالعات بر اهميت يك رويکرد جامع تأكيد مى كند كه محيط آموزشى، اثربخشى روشهاى تدريس و زمينه اجتماعى-فرهنگى را در نظر مى گيرد. به عنوان مثال، مدل ارزيايى توصيفى در آموزش ابتدائى بر نقش حياتى توانايىهاى معلم، عوامل انگيزشى و طراحي برنامه درسى در پرورش موفقيت تحصيلى تأكيد مى كند. اين مدل نشان مى دهد كه هم ابعاد نيروى انساني و هم برنامه درسى بايد به طور جامع براى بهبود نتايج آموزشى مورد توجه قرار گيرند. علاوه بر اين، ادغام روشهاى علمى مانند مدل سازى معادلات ساختارى به شناسايى عوامل كليدى مؤثر بر كيفيت آموزشى كمك مى كند و يك رويکرد ساختاريافته براى بهبود اين عناصر ارائه مى دهد (نبوى زاده و همكاران، ۲۰۲۱).

شناسايى شكافهاى تحقيقاتى

عليرغم تحقيقات گسترده در مورد جنبههاى مختلف كيفيت آموزشى در ايران، چنددين شكاف همچنان باقى است. يكي از شكافهاى مهم، نياز به مطالعات طولى است كه تاثير بلندمدت اصلاحات آموزشى اجرا شده را ارزيايى كند. اكثر مطالعات بر نتايج فوري تمرکز مى كنند و در ارائه بينش در مورد پايدارى اين اصلاحات در طول زمان ناکام مى مانند. شكاف ديگر، تحقيقات محدود در مورد کاربرد عملى سيستمهاى آموزش الكترونيكى در ايران است. در حالى كه بحثهاى زيادى در مورد چالشها و پتانسيل آموزش الكترونيكى وجود دارد، فقدان دادههاى تجربى در مورد اثربخشى اين سيستمها در محيطهاى آموزشى مختلف وجود دارد. اين شكاف نياز به مطالعات دقيقترى را نشان مى دهد كه پياده سازى و نتايج ابتكارات آموزش الكترونيكى را ارزيايى كند (كسانى و همكاران، ۲۰۲۰). علاوه بر اين، نياز به تحقيقاتى است كه به بررسى عميقتر تقاطع كيفيت آموزشى با نابرابرىهاى اجتماعى-اقتصادى پردازد. در حالى كه مطالعات تاثير عوامل اجتماعى-اقتصادى بر آموزش را تصديق مى كنند، تحليلهاى جامعى كه مداخلات هدفمند را پيشنهاد مى كنند، كمياب هستند. پرداختن به اين شكاف مى تواند به استراتژىهاى مؤثرترى براى کاهش نابرابرىهاى آموزشى و ارتقاى كيفيت كللى آموزش منجر شود.

روش تحقيق

اين پژوهش از يك طرح تحقيق توصيفى-تحليلى استفاده مى كند كه با بهره گيرى از تحقيقات گسترده كتابخانه اى به جمع آورى و تحليل دادههاى مرتبط با كيفيت آموزش در ايران مى پردازد. تمرکز اصلى بر روى منابع داده ثانويه، از جمله مجلات دانشگاهى، كتابها، گزارشهاى رسمى و اسناد سياسستى است. اين رويکرد امكان بررسى جامع ادبيات موجود را فراهم مى كند و چارچوبى قوى براى شناسايى چالشها و فرصتهاى كليدى مؤثر بر كيفيت آموزشى فراهم مى آورد.

روش‌های جمع‌آوری داده‌ها

جمع‌آوری داده‌ها برای این پژوهش بر روی یک بررسی سیستماتیک از ادبیات موجود متمرکز است. این فرآیند شامل شناسایی، انتخاب و ارزیابی انتقادی مطالعات تحقیقاتی، گزارش‌های سیاستی و مقالات دانشگاهی منتشر شده از سال ۲۰۲۰ به بعد است. منابع از پایگاه‌های معتبر و مجلات دانشگاهی گردآوری شده‌اند تا از قابلیت اطمینان و اعتبار داده‌ها اطمینان حاصل شود. مراحل مربوط به فرآیند جمع‌آوری داده‌ها عبارتند از:

استراتژی جستجو: یک استراتژی جستجوی جامع برای شناسایی ادبیات مرتبط تدوین شده است. کلیدواژه‌هایی مانند "کیفیت آموزشی در ایران"، "چالش‌های آموزش در ایران"، "فرصت‌ها در آموزش ایران" و اصطلاحات مرتبط برای جستجوی پایگاه‌های اطلاعاتی دانشگاهی مانند *PubMed*، *Google Scholar* و مخازن سازمانی استفاده می‌شوند.

معیارهای ورود و خروج: معیارهای ورود برای انتخاب مطالعات شامل انتشارات از سال ۲۰۲۰ به بعد، مقالات داوری هم‌تا، مطالعات با تمرکز بر نظام آموزشی ایران و تحقیقاتی است که به چالش‌ها و فرصت‌ها در آموزش می‌پردازند. معیارهای خروج شامل مقالات منتشر شده قبل از سال ۲۰۲۰، منابع غیر داوری شده و مطالعاتی است که ارتباط مستقیمی با موضوع تحقیق ندارند.

استخراج داده‌ها: داده‌های مرتبط از مطالعات انتخاب شده استخراج و سازماندهی می‌شوند. این شامل اطلاعاتی در مورد طرح مطالعه، حجم نمونه، یافته‌های کلیدی و پیامدهای کیفیت آموزشی در ایران است.

روش‌های تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها شامل تکنیک‌های کیفی و کمی برای ارائه درک جامعی از چالش‌ها و فرصت‌های موجود در نظام آموزشی ایران است. تجزیه و تحلیل در مراحل زیر انجام می‌شود:

تحلیل توصیفی: داده‌های استخراج شده با استفاده از آمار توصیفی خلاصه می‌شوند تا مروری بر روندها و الگوهای رایج شناسایی شده در ادبیات ارائه شود. این شامل محاسبه فراوانی‌ها، میانگین‌ها و انحرافات استاندارد برای تعیین کمیت شیوع چالش‌ها و فرصت‌های خاص است.

تحلیل موضوعی: داده‌های کیفی از ادبیات بررسی شده با استفاده از تحلیل موضوعی تجزیه و تحلیل می‌شوند. این روش شامل کدگذاری داده‌ها برای شناسایی موضوعات و الگوهای تکرار شونده مرتبط با کیفیت آموزشی است. سپس موضوعات در دسته‌های گسترده‌تر، مانند چالش‌های زیرساختی، کاستی‌های آموزش معلمان، نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی و فرصت‌های فناوری طبقه‌بندی می‌شوند.

تحلیل مقایسه‌ای: این مطالعه چالش‌ها و فرصت‌های شناسایی شده را در سطوح مختلف آموزشی (ابتدایی، متوسطه، عالی) و مناطق در ایران مقایسه می‌کند. این مقایسه به برجسته کردن نابرابری‌های منطقه‌ای و حوزه‌های خاصی که نیاز به مداخلات هدفمند دارند کمک می‌کند.

ادغام یافته‌ها

ادغام یافته‌های کیفی و کمی برای ارائه یک درک جامع از چالش‌ها و فرصت‌های موجود در نظام آموزشی ایران بسیار مهم است. بینش‌های کیفی به نتایج کمی عمق می‌بخشد و توضیحات و جزئیات زمینه‌ای را ارائه می‌دهد که تحلیل کلی را تقویت می‌کند.

مرحله نهایی شامل ترکیب یافته‌های یکپارچه برای توسعه یک مدل جامع از کیفیت آموزشی در ایران است. این مدل چالش‌های کلیدی مانند کمبودهای زیرساختی، آموزش ناکافی معلمان و نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی و همچنین

فرصت‌هایی مانند اصلاح برنامه درسی، ادغام فناوری و بهبود سیاست‌ها را برجسته می‌کند. این مدل به عنوان چارچوبی برای تدوین توصیه‌ها و استراتژی‌ها برای ارتقای کیفیت آموزشی در ایران عمل می‌کند.

بحث

کیفیت آموزش در ایران تحت تأثیر مجموعه‌ای از چالش‌ها و فرصت‌ها است که در ادبیات اخیر به طور گسترده‌ای مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. چالش‌های کلیدی شناسایی شده شامل زیرساخت‌های ناکافی، آموزش ناکافی معلمان، نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی و محدودیت‌های سیاسی است. به عنوان مثال، مطالعه‌ای توسط تقی‌زاده و همکاران (۲۰۲۰) نشان داد که همه‌گیری کووید-۱۹ ضعف‌های زیرساختی موجود، مانند دسترسی محدود به اینترنت قابل اعتماد و ابزارهای فناوری را تشدید کرده و مانع از انتقال به آموزش آنلاین شده است. به طور مشابه، کسانى و همکاران (۲۰۲۰) ابعاد قانونی، انسانی، آموزشی، فناوری، اجتماعی-فرهنگی، پشتیبانی، اقتصادی و مدیریتی-سازمانی را به عنوان موانع مهم برای آموزش الکترونیکی مؤثر در ایران شناسایی کردند (کسانى و همکاران، ۲۰۲۰).

یکی دیگر از چالش‌های مهم، ناکافی بودن برنامه‌های تربیت معلم است. بیگزاده و همکاران (۲۰۲۰) تأکید کردند که آموزش بالینی پزشکی در ایران با مشکلات متعددی از جمله روش‌های تدریس منسوخ شده و فرصت‌های ناکافی آموزش عملی مواجه است (بیگزاده و همکاران، ۲۰۲۰). این شکاف در آموزش منجر به عدم تطابق بین نتایج آموزشی و مهارت‌های عملی مورد نیاز در بخش مراقبت‌های بهداشتی می‌شود. علاوه بر این، عبداللهی و همکاران (۲۰۲۰) گزارش دادند که فقدان برنامه‌ریزی استراتژیک و مشارکت فعال مربیان از موانع اصلی در اجرای دوره‌های آموزش الکترونیکی در آموزش عالی است (عبداللهی و همکاران، ۲۰۲۰).

نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی، چشم‌انداز آموزشی را پیچیده‌تر می‌کند. دانش‌آموزان خانواده‌های کم‌درآمد اغلب به منابع و سیستم‌های پشتیبانی آموزشی با کیفیت دسترسی ندارند که این امر نابرابری‌های آموزشی را تشدید می‌کند. موسوی (۲۰۲۰) خاطرنشان کرد که محدودیت‌های مالی و دسترسی محدود به فناوری به طور قابل توجهی بر توانایی دانش‌آموزان در شرکت در یادگیری آنلاین تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، مرمریان و همکاران (۲۰۲۱) تأکید کردند که نابرابری قابل توجهی در دسترسی به فرصت‌های آموزش عالی، به ویژه در علوم پزشکی، در مناطق مختلف ایران وجود دارد (مرمریان و همکاران، ۲۰۲۱).

علیرغم این چالش‌ها، فرصت‌های متعددی برای بهبود کیفیت آموزش در ایران وجود دارد. یکی از این فرصت‌ها، ادغام فناوری در نظام آموزشی است. همانطور که پریاب و همکاران (۲۰۲۲) اشاره کردند، آموزش مجازی این پتانسیل را دارد که با ارائه فرصت‌های یادگیری انعطاف‌پذیر و قابل دسترس، چشم‌انداز آموزشی را متحول کند. این مطالعه نشان داد که دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شاهرود مزایای متعددی از یادگیری مجازی را شناسایی کردند، از جمله مقرون‌به‌صرفه بودن و توانایی ادامه تحصیل در هنگام اختلالاتی مانند همه‌گیری کووید-۱۹ (پریاب و همکاران، ۲۰۲۲).

اصلاح برنامه درسی یکی دیگر از فرصت‌های مهم است. مطالعه مهدی‌زاده و همکاران (۲۰۲۰) در مورد شناخت فرصت‌های کارآفرینی در آموزش عالی نشان داد که ادغام مهارت‌های کارآفرینی در برنامه درسی می‌تواند آمادگی دانشجویان را برای بازار کار افزایش دهد (مهدی‌زاده و همکاران، ۲۰۲۱). به طور مشابه، قرابی و همکاران (۲۰۲۳) بر لزوم ارزیابی و بهبود مستمر برنامه‌های آموزشی برای اطمینان از برآورده شدن نیازهای فعلی و آینده تأکید کردند (قرابی و همکاران، ۲۰۲۳).

تجزیه و تحلیل این یافته‌ها، ماهیت چندوجهی چالش‌ها و فرصت‌ها را در نظام آموزشی ایران برجسته می‌کند. چالش‌های زیرساختی، مانند دسترسی ناکافی به فناوری و منابع، موانع اساسی هستند که برای تسهیل محیط‌های یادگیری مؤثر باید به آنها پرداخته شود. همه‌گیری کووید-۱۹ به ویژه بر فوریت این مسائل تأکید کرده است و نیاز به زیرساخت‌های آموزشی

انعطاف‌پذیر و سازگار را نشان می‌دهد. آموزش معلمان همچنان یک حوزه مهم نگران‌کننده است. ناکافی بودن برنامه‌های آموزشی فعلی نه تنها بر کیفیت آموزش تأثیر می‌گذارد، بلکه مانع توسعه حرفه‌ای مربیان نیز می‌شود. برنامه‌های آموزشی مؤثر معلمان که شامل روش‌های آموزشی مدرن است و فرصت‌های توسعه حرفه‌ای مداوم را فراهم می‌کند، برای بهبود نتایج آموزشی ضروری است. نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی نابرابری‌های آموزشی را تشدید می‌کند و دسترسی دانش‌آموزان از پیشینه‌های محروم را به آموزش با کیفیت محدود می‌کند. این نابرابری‌ها را می‌توان از طریق مداخلات هدفمندی که حمایت‌های اضافی برای این دانش‌آموزان فراهم می‌کند، برطرف کرد. برنامه‌های کمک مالی، دسترسی به فناوری و ابتکارات آموزشی متناسب می‌تواند به پر کردن این شکاف کمک کند و تضمین کند که همه دانش‌آموزان از فرصت‌های برابر برای موفقیت برخوردارند.

- بحث در مورد چالش‌ها

چالش‌های پیش روی نظام آموزشی ایران عمیقاً در هم تنیده شده است و برای پرداختن به آن نیازمند یک رویکرد جامع است. ناکافی بودن زیرساخت‌ها، مانند اتصال ضعیف به اینترنت و کمبود ابزارهای فناوری، موانع مهمی برای یادگیری مؤثر ایجاد می‌کند. تغییر به آموزش آنلاین در طول همه‌گیری کووید-۱۹ بر اهمیت زیرساخت‌های قوی و قابل اعتماد تأکید کرده است. پرداختن به این مسائل نیازمند سرمایه‌گذاری قابل توجه و تلاش‌های هماهنگ سیاست‌گذاران، مؤسسات آموزشی و بخش خصوصی است. آموزش ناکافی معلمان یکی دیگر از چالش‌های اصلی است که بر کیفیت آموزش تأثیر می‌گذارد. برنامه‌های آموزشی فعلی اغلب قدیمی هستند و معلمان را به مهارت‌های لازم برای تعامل مؤثر با دانش‌آموزان و ایجاد یک محیط یادگیری مثبت مجهز نمی‌کنند. ارتقای برنامه‌های تربیت معلم برای گنجاندن روش‌های آموزشی مدرن و فرصت‌های توسعه حرفه‌ای مداوم برای بهبود نتایج آموزشی ضروری است. نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی نابرابری‌های آموزشی را تشدید می‌کند و دسترسی دانش‌آموزان از پیشینه‌های محروم به آموزش با کیفیت را محدود می‌کند. این نابرابری‌ها را می‌توان از طریق مداخلات هدفمندی که حمایت‌های اضافی برای این دانش‌آموزان فراهم می‌کند، برطرف کرد. برنامه‌های کمک مالی، دسترسی به فناوری و ابتکارات آموزشی متناسب می‌تواند به پر کردن این شکاف کمک کند و تضمین کند که همه دانش‌آموزان از فرصت‌های برابر برای موفقیت برخوردارند.

- بحث در مورد فرصت‌ها

علیرغم چالش‌ها، فرصت‌های قابل توجهی برای بهبود کیفیت آموزش در ایران وجود دارد. ادغام فناوری در نظام آموزشی، یک راه حل امیدوارکننده برای ارتقای تجربیات یادگیری ارائه می‌دهد. آموزش مجازی در صورت اجرای مؤثر می‌تواند فرصت‌های یادگیری انعطاف‌پذیر و قابل دسترس را به ویژه برای دانش‌آموزان مناطق دورافتاده یا کسانی که با موانع اجتماعی-اقتصادی مواجه هستند فراهم کند. برای بهره‌برداری از این فرصت، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فناوری و ارائه آموزش برای مربیان و دانش‌آموزان ضروری است.

اصلاح برنامه درسی یکی دیگر از فرصت‌های کلیدی برای ارتقای کیفیت آموزشی است. مؤسسات آموزشی با ادغام مهارت‌هایی مانند کارآفرینی، تفکر انتقادی و حل مسئله در برنامه درسی، می‌توانند دانش‌آموزان را برای نیازهای نیروی کار مدرن بهتر آماده کنند. ارزیابی و تطبیق مستمر برنامه‌های آموزشی برای اطمینان از مرتبط و مؤثر بودن آنها ضروری است. یافته‌ها همچنین بر اهمیت یک رویکرد مشارکتی برای پرداختن به چالش‌ها و بهره‌گیری از فرصت‌ها در نظام آموزشی ایران تأکید می‌کند. سیاست‌گذاران، مؤسسات آموزشی و سایر ذینفعان باید برای توسعه و اجرای استراتژی‌های جامعی که به ماهیت چندوجهی این مسائل می‌پردازند، با یکدیگر همکاری کنند. با تقویت همکاری و هماهنگی، می‌توان یک نظام آموزشی با کیفیت و عادلانه‌تر ایجاد کرد که به نفع همه دانش‌آموزان باشد. یکی دیگر از چالش‌های قابل توجه در نظام آموزشی ایران، محیط اجتماعی-سیاسی است که بر سیاست‌های آموزشی و اجرای آنها تأثیر می‌گذارد. محدودیت‌های سیاسی اغلب منجر به

اصلاحات آموزشی ناسازگار و ضعیف می‌شود. برای مثال، مطالعه ناخدا و همکاران (۲۰۲۱) نشان داد که بین‌المللی شدن آموزش پزشکی در ایران با موانع ساختاری-حقوقی، سیاسی-امنیتی و آموزشی-پژوهشی مواجه است. این محدودیت‌ها توانایی مؤسسات آموزشی برای اتخاذ رویکردهای نوآورانه و همکاری بین‌المللی را محدود می‌کند، که برای ارتقای کیفیت و استانداردهای آموزشی ضروری است (ناخدا و همکاران، ۲۰۲۱).

علاوه بر این، نگرش‌های فرهنگی نسبت به آموزش، به ویژه تأکید بر یادگیری طوطی‌وار و تدریس مبتنی بر امتحان، مانعی برای اتخاذ روش‌های مؤثرتر آموزشی است. موسوی و همکاران (۲۰۲۰) خاطرنشان کردند که روش‌های سنتی تدریس بر چشم‌انداز آموزشی در ایران تسلط دارند، با تأکید محدود بر تفکر انتقادی، خلاقیت و مهارت‌های عملی. این مقاومت فرهنگی در برابر تغییر، تلاش‌ها برای اجرای شیوه‌های آموزشی مدرن را که می‌تواند نتایج یادگیری را بهبود بخشد و دانش‌آموزان را برای خواسته‌های جهان معاصر آماده کند، مختل می‌کند (موسوی، ۲۰۲۰). علاوه بر این، محدودیت‌های مالی یک مسئله فراگیر است که بر همه سطوح نظام آموزشی تأثیر می‌گذارد. بودجه محدود برای زیرساخت‌های آموزشی، منابع و حقوق معلمان بر کیفیت کلی آموزش تأثیر می‌گذارد. امیری (۲۰۲۰) تأکید کرد که مدارس در ایران، به ویژه مدارس در مناطق کم‌درآمد، با چالش‌های قابل توجهی مانند کلاس‌های درس شلوغ، امکانات ناکافی و کمبود مواد آموزشی مواجه هستند. این محدودیت‌های مالی نه تنها مانع ارائه آموزش با کیفیت می‌شود، بلکه نابرابری‌های آموزشی را نیز تشدید می‌کند، زیرا مدارس در مناطق ثروتمند اغلب منابع بهتری دارند.

- بحث در مورد فرصت‌ها

علیرغم این چالش‌ها، فرصت‌های استراتژیک متعددی برای ارتقای کیفیت آموزش در ایران وجود دارد. یکی از امیدوارکننده‌ترین فرصت‌ها، پتانسیل همکاری و تبادل بین‌المللی است. دانشگاه‌های ایرانی با همکاری با مؤسسات آموزشی بین‌المللی می‌توانند به دانش، روش‌های تدریس و منابع جدیدی دسترسی پیدا کنند که می‌تواند به ارتقای استانداردهای آموزشی کمک کند. مطالعه امیری (۲۰۲۰) در مورد جذب گردشگران آموزشی، مزایای بالقوه چنین همکاری‌هایی، از جمله تبادل فرهنگی و اتخاذ بهترین شیوه‌ها از سراسر جهان را برجسته می‌کند. یکی دیگر از فرصت‌ها، توانمندسازی مربیان از طریق توسعه حرفه‌ای مستمر است. سرمایه‌گذاری در برنامه‌های تربیت معلم که بر تکنیک‌های آموزشی مدرن، سواد دیجیتال و آموزش فراگیر تمرکز می‌کنند، می‌تواند به طور قابل توجهی کیفیت تدریس را بهبود بخشد. پریاب و همکاران (۲۰۲۲) بر لزوم آموزش بین‌حرفه‌ای در حرفه‌های بهداشتی تأکید کردند و برجسته کردند که چگونه یادگیری مشارکتی و رویکردهای بین رشته‌ای می‌تواند نتایج آموزشی را بهبود بخشد. این مدل را می‌توان به سایر زمینه‌های آموزشی تعمیم داد تا رویکردی جامع‌تر و یکپارچه‌تر برای تدریس ایجاد شود (پریاب و همکاران، ۲۰۲۲).

ادغام فناوری‌های دیجیتال در آموزش نیز یک فرصت قابل توجه را ارائه می‌دهد. مدل‌های یادگیری مجازی و ترکیبی می‌توانند انعطاف‌پذیری و دسترسی بیشتری را فراهم کنند، به خصوص برای دانش‌آموزان در مناطق دورافتاده یا محروم. لشگری و همکاران (۲۰۲۲) در مورد چالش‌ها و استراتژی‌های ترویج آموزش مجازی در طول همه‌گیری کووید-۱۹ بحث کردند و خاطرنشان کردند که با زیرساخت‌ها و پشتیبانی مناسب، آموزش مجازی می‌تواند مکمل روش‌های سنتی باشد و یک تجربه یادگیری متنوع‌تر ارائه دهد. این ادغام همچنین می‌تواند یادگیری مادام‌العمر را تسهیل کند و افراد را قادر سازد تا به طور مداوم مهارت‌ها و دانش خود را در دنیایی که به سرعت در حال تغییر است، به‌روز کنند (لشگری و همکاران، ۲۰۲۲).

در نهایت، اصلاحات سیاستی با هدف کاهش نابرابری‌های آموزشی و ترویج عدالت می‌تواند نقش مهمی در ارتقای کیفیت آموزشی ایفا کند. نبوی زاده و همکاران (۲۰۲۱) مدلی را برای کاهش نابرابری فرصت‌ها در آموزش عالی پیشنهاد کردند که شامل مداخلات هدفمند مانند بورسیه تحصیلی، دسترسی به فناوری و برنامه‌های حمایتی برای دانش‌آموزان محروم است. با

پرداختن به علل ریشه‌ای نابرابری‌های آموزشی، این سیاست‌ها می‌توانند یک نظام آموزشی فراگیرتر و عادلانه‌تر ایجاد کنند که به نفع همه دانش‌آموزان باشد.

نتیجه‌گیری

کیفیت آموزش در ایران تحت تأثیر چالش‌ها و فرصت‌های متعدد و به هم پیوسته‌ای قرار دارد. چالش‌های کلیدی شامل زیرساخت‌های ناکافی، آموزش ناکافی معلمان، نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی و محدودیت‌های سیاسی است. چالش‌های زیرساختی به ویژه در طول همه‌گیری کووید-۱۹ برجسته شدند، که دسترسی محدود به اینترنت قابل اعتماد و ابزارهای فناوری لازم برای آموزش آنلاین را آشکار کرد. برنامه‌های ناکافی آموزش معلمان منجر به عدم تطابق بین نتایج آموزشی و مهارت‌های عملی مورد نیاز در بخش‌های مختلف می‌شود. نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی این مسائل را تشدید می‌کند و دسترسی به آموزش با کیفیت را برای دانش‌آموزان مناطق محروم محدود می‌کند.

علیرغم این چالش‌ها، فرصت‌های قابل توجهی برای ارتقای کیفیت آموزش در ایران وجود دارد. ادغام فناوری در نظام آموزشی یک مسیر امیدوارکننده برای بهبود است، زیرا آموزش مجازی، فرصت‌های یادگیری انعطاف‌پذیر و قابل دسترس را فراهم می‌کند (پریاب و همکاران، ۲۰۲۲). اصلاح برنامه درسی یکی دیگر از فرصت‌های کلیدی است که این پتانسیل را دارد که برنامه‌های آموزشی را با نیازهای در حال تحول بازار کار هماهنگ‌تر کند. علاوه بر این، همکاری و تبادل بین‌المللی می‌تواند بینش‌ها و منابع ارزشمندی را برای ارتقای استانداردهای آموزشی ارائه دهد.

پیامدها برای سیاست و عمل

برای مقابله با چالش‌های شناسایی شده و استفاده از فرصت‌ها، باید چندین پیامد سیاستی و عملی در نظر گرفته شود. اولاً، سرمایه‌گذاری قابل توجه در زیرساخت‌های آموزشی برای ارائه دسترسی قابل اعتماد به اینترنت و ابزارهای فناوری لازم برای آموزش مدرن ضروری است. این سرمایه‌گذاری باید به مناطق محروم اولویت دهد تا نابرابری‌های آموزشی را کاهش دهد و دسترسی برابر همه دانش‌آموزان به آموزش با کیفیت را تضمین کند. ثانیاً، تقویت برنامه‌های تربیت معلم بسیار مهم است. این برنامه‌ها باید شامل روش‌های آموزشی مدرن باشند و فرصت‌های توسعه حرفه‌ای مداوم را فراهم کنند. این رویکرد، معلمان را به مهارت‌های لازم برای تعامل مؤثر با دانش‌آموزان و ایجاد یک محیط یادگیری مثبت مجهز می‌کند. علاوه بر این، پرداختن به نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی نیازمند مداخلات هدفمندی مانند کمک‌های مالی، دسترسی به فناوری و برنامه‌های آموزشی متناسب برای حمایت از دانش‌آموزان محروم است. ثالثاً، ادغام فناوری‌های دیجیتال در نظام آموزشی یک فرصت قابل توجه است. مدل‌های یادگیری مجازی و ترکیبی می‌توانند فرصت‌های یادگیری انعطاف‌پذیر و قابل دسترسی را فراهم کنند، به خصوص برای دانش‌آموزان در مناطق دور افتاده. اجرای مؤثر این مدل‌ها نیازمند سرمایه‌گذاری قابل توجه در زیرساخت‌های فناوری و آموزش برای مربیان و دانش‌آموزان است. در نهایت، اصلاحات سیاستی با هدف کاهش نابرابری‌های آموزشی و ترویج عدالت بسیار مهم است. این اصلاحات باید شامل مداخلات هدفمند مانند بورسیه تحصیلی، دسترسی به فناوری و برنامه‌های حمایتی برای دانش‌آموزان محروم باشد. با پرداختن به علل ریشه‌ای نابرابری‌های آموزشی، این سیاست‌ها می‌توانند یک نظام آموزشی فراگیرتر و عادلانه‌تر ایجاد کنند.

پیشنهادهایی برای تحقیقات آینده

تحقیقات آینده باید بر مطالعات طولی برای ارزیابی تأثیر بلندمدت اصلاحات آموزشی اجرا شده متمرکز شود. چنین مطالعاتی بینش‌های ارزشمندی را در مورد پایداری و اثربخشی این اصلاحات در طول زمان ارائه می‌دهد. علاوه بر این، تحقیقات تجربی بیشتری برای ارزیابی کاربرد عملی و نتایج سیستم‌های آموزش الکترونیکی در محیط‌های آموزشی مختلف در ایران مورد نیاز است. علاوه بر این، نیاز به تحقیقاتی است که به بررسی عمیق‌تر تقاطع کیفیت آموزشی با نابرابری‌های اجتماعی-

اقتصادى بپردازد. تجزيه و تحليل هاى جامع كه مداخلات هدفمند را براى رفع اين نابرابرى ها پيشنهاد مى كنند، مى تواند منجر به استراتژى هاى مؤثرترى براى کاهش نابرابرى هاى آموزشى و ارتقاى كيفيت كلّى آموزش شود. علاوه بر اين، مطالعاتى كه پتانسيل همكارى ها و تبادلات بين المللى را بررسى مى كنند، مى توانند بينش هاى ارزشمندى در مورد چگونگى ارتقاى كيفيت آموزشى اين مشاركت ها در ايران ارائه دهند. با درك مزاي و چالش هاى چنين همكارى هاى، سياست گذاران و مربيان مى توانند از منابع و تخصص هاى بين المللى براى بهبود نظام آموزشى بهتر استفاده كنند. در پايان، پرداختن به چالش ها و استفاده از فرصت ها در نظام آموزشى ايران نيازمند يك رويكرد هماهنگ و چندوجهى است. با سرمايه گذارى در زيرساخت ها، ارتقاى آموزش معلمان، کاهش نابرابرى هاى اجتماعى-اقتصادى و ترويج همكارى هاى بين المللى، مى توان يك نظام آموزشى انعطاف پذيرتر و با كيفيت تر ايجاد كرد كه به نفع همه دانش آموزان باشد.

منابع

- Abdellahi, S. M., Bagherzadegan, A., & Aghakasiri, Z. (2020). The Challenges of Implementing E-learning Courses in Iran's Higher Education: A University Management Perspective. *Iranian Journal of Medical Education*.
- Akbari farmad, S., Hashemi, M., & Sohrabi, S. (2022). Explanation of Non-Iranian Students' Views on the Quality of Learning Experiences at Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran. *Journal of Medical Education*.
- Amiri, A. K. (2020). Challenges Faced by Schools Students: Some Concerns in Developing Countries of Asia (India, Afghanistan, Iran Etc.). *Journal of Research in International Education*.
- Beigzadeh, A., Yamani, N., Bahaadinbeigy, K., & Adibi, P. (2020). Challenges and Problems of Clinical Medical Education in Iran: A Systematic Review of the Literature. *Strides in Development of Medical Education*.
- Ezel, C. (2021). Recruiting Educational Tourists from Countries Under International Sanctions: The Case of Iranian Education Market.
- Fard, Z. H., Zolfaghari, M., & Yazdizadeh, B. (2021). Quality of the Curriculum of Health Technology Assessment Master Program in Iran.
- Ghorrabi, A. T., Heydari, M., Choobdarnezhad, M., Dahim, A., & Heydarifard, Z. (2023). Evaluation of the Overall Quality of the Health Technology Assessment Educational Program from the Perspectives of University Professors and Learners in Iran. *Health Technology Assessment in Action*.
- Kasani, H. A., Shams Mourkani, G., Seraji, F., Rezaei-Zadeh, M., & Abedi, H. (2020). E-Learning Challenges in Iran: A Research Synthesis. *The International Review of Research in Open and Distributed Learning*.
- Largani, S. M. H., & Mojtazadeh, M. (2021). Designing and Validation of Instructional Quality Model for Universities in Iran. *Journal of Management and Planning In Educational System*.
- Lashgari, S. N., Khalkhali, A., Zarei, H., & Pali, S. (2022). Structural Analysis of Scientific Productions in the Field of Educational Management in Iran. *Quarterly Journal of Managing Education In Organizations*.
- Marmarian, G., Hassani, M., & Mohajeran, B. (2021). Determinants of Equal Access to Higher Health Education Opportunities in Kermanshah University of Medical Sciences, Iran. *Educational Research in Medical Sciences*.
- Mehdizadeh, H., Gholami, H., Shiri, N., & Khoshmaram, M. (2020). Predicting entrepreneurial opportunity recognition in higher education: a case from Iran. *Journal of Applied Research in Higher Education*.

- Moosavi, Z. (2020). Challenges Faced While Conducting Research on Higher Education Students in Iran. *International Journal of Scientific and Research Publications*.
- Nakhoda, K., Hosseini, M., Mohammadkhani, K., & Gholi Ghorchian, N. (2021). Challenges and Barriers to Internationalization from the Perspective of Faculty Members and Staff of the International Department of Iran, Tehran and Shahid Beheshti Universities of Medical Sciences. *Journal of Medical Education and Development*.
- Nabavizadeh, S. Z., Mashinchi, A., Hashemi, S., & Mohammadjani, S. (2021). Presenting a Model of Effective Factors on Successful Implementation of Descriptive Evaluation in the Primary Education System of Iran. *Iranian Journal of Educational Sociology*.
- Niromand, E., Salehi, A., & Khazaei, M. (2020). The Influential Factors in the Academic Achievement and Failure of Medical Students in Iran: A Review Study. *Educational Research in Medical Sciences*.
- Paryab, S., Masoudi, A., Zarouj Hosseini, K., Zamani, S., Zarouj Hosseini, R., & Garkaz, O. (2022). Opportunities and challenges in virtual education of theoretical courses: Perspectives of medical students at Shahroud university of medical sciences. *Journal of Medical Education Development*.
- Taghizadeh, S., Haji, J., & Mohammadimehr, M. (2020). A Comparative Study of the Challenges and Opportunities of Higher Education in the Corona Pandemic in Iran and around the World. *Journal of Paramedical Sciences*.